

## درس‌های اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد

### صلاح مازوجی

اعتراضاتی که بدنبال یورش وحشیانه نیروهای رژیم در ۱۸ تیرماه به جمعی از جوانان شهر مهاباد و قتل و شکنجه سبعانه یکی از آنان آغاز شد، به سرعت شهرهای دیگر کردستان را فرا گرفت. اعتراض مردم مهاباد به قتل شوانه قادری ابتدا به شهرهای سردشت، اشنویه و پیرانشهر، سرایت کرد و با وقفه‌ای کوتاه شهرهای سنندج و سقز نیز به این اعتراضات پیوستند. خیزش مردم شهرهای کردستان از زمین و هوا مورد یورش نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفت و ده‌ها نفر کشته و زخمی شدند.

این اعتراضات که صحنه‌های پرشوری از نفرت و خشم فرو خورده مردم کردستان از حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت کلیه عناصر یک مبارزه خودجوش و خودانگیخته را در خود داشت. هر چند در اینجا نمی‌توان از عنصر خودبخودی صرف صحبت به میان آورد و در خود انگیخته‌ترین اعتراضات هم می‌توان عنصر عمل آگاهانه را مشاهده کرد، بویژه در جامعه‌ای که مردم آن سال‌هاست زندگی حزبی را از سر می‌گذارند، خواه ناخواه، در این مواقع تحت تاثیر احزاب و نیروهای سیاسی قرار می‌گیرند. با اینحال آنچه روشن بود عنصر رهبری آگاهانه کنترل این اعتراضات را در اختیار نداشت و این اعتراضات مستقل از دخالت احزاب و نیروهای سیاسی، تداوم داشت و هر روز یکی از شهرهای کردستان را در برمی‌گرفت.

فقدان رهبری آگاهانه در این اعتراضات را می‌توان، در ناهماهنگی اعتراضات مردم شهرهای مختلف، در محدودماندن این اعتراضات به محله‌های معین از شهرها و روش‌هایی که در جریان این اعتراضات اتخاذ می‌شد را بوضوح مشاهده کرد. اعتراضات این دوره اگر چه همه شهرهای کردستان را در بر گرفت و این خود نشانه همبستگی مبارزات مردم کردستان در مقابل رژیمی بود که اعتراض به سرکوب را باز هم با سرکوب جواب می‌دهد، اما ناهماهنگی و ناهمزمانی این اعتراضات در شهرها، عدم سازمانیابی این جنبش اعتراضی را نشان می‌داد. ناهمخوانی شعارها و مطالبات که در این اعتراضات مطرح می‌شد باز هم از غیبت رهبری آگاهانه در این دوره از اعتراضات حکایت می‌کرد. در این اعتراضات در غیاب یک ارزیابی درست از توازن قوای موجود میان مردم و رژیم، از شعار مرگ بر جمهوری اسلامی تا خواست معرفی و مجازات عاملین جنایت در مهاباد و آزادی دستگیرشدگان و لغو حکومت نظامی مطرح می‌شد.

سرنگونی جمهوری اسلامی اگر چه بخشی از استراتژی جنبش انقلابی مردم کردستان و شعار هر

جریان انقلابی است، اما تا زمانی که جنبش انقلابی در کردستان به اندازه کافی صفوف خود را فشرده و منسجم نکرده است و تا زمانی که جنبش کارگری در ابعاد سراسری با ایجاد تشکل‌های توده‌ای و با صف مستقل خود به میدان مبارزه سیاسی نیامده و به محور دیگر جنبش‌های آزادیخواهانه در ایران تبدیل نشده است، خواست سرنگونی رژیم نمی‌تواند به شعار تاکتیکی روز و شعار هر راهپیمایی و اعتراضی در کردستان تبدیل شود، طرح نابهنگام این شعار می‌تواند مانع گسترش و توده‌ای شدن این مبارزات شود. در شرایطی که هنوز زمان نبرد نهایی فرا نرسیده است نباید بارسنگین پیروزی انقلاب در ایران را به تنهایی بردوش جنبش انقلابی کردستان انداخت و صدای انقلاب ایران را در کردستان تضعیف کرد.

در جنبش‌های خودبخودی همواره این امکان وجود دارد که رژیم با بکار بستن شگردهای مختلف مانع توده‌ای شدن اعتراضات مردم شود. در اعتراضات دوره اخیر، پاره‌ای از گزارشات حاکی از آن بود که بعضا خود عوامل رژیم و لباس شخصی‌ها بوده‌اند که حمله به بانک‌ها و شکستن در و پنجره‌ها را شروع کرده‌اند و ممکن است در این میان جوانان پرشوری هم پیدا شوند که بدون اینکه از نقشه رژیم اطلاع داشته و یا از عواقب کار خود آگاه باشند همین روش‌ها را دامن بزنند. هدف رژیم از اعمال این روش‌ها جلوگیری از توده‌ای شدن این اعتراضات است. زمانی که حمله به بانک‌ها و مراکز دولتی شروع می‌شود، رژیم تلاش می‌کند که بلافاصله این اعتراضات را به خشونت بکشاند و جنگ و گریز را به مردم تحمیل می‌کند، در حالی که نقطه قوت این اعتراضات در توده‌گیر شدن آنها است، رژیم با تحمیل این روش‌ها و به خشونت کشاندن آن در همان لحظات اول اعتراضات و تجمع مردم را پراکنده می‌کند.

در شرایط کنونی مردم یک شهر را نمی‌توان به یک تظاهرات و راهپیمایی کشاند که از همان لحظات اول با حمله به بانک‌ها و جنگ و گریز شروع می‌شود. اما ممکن است ده‌ها هزار نفر از مردم یک شهر را با طرح شعارها و خواست‌هایی که مقبولیت اجتماعی دارد به خیابان‌ها سرازیر کرد و رژیم جمهوری اسلامی را بطور واقعی تحت فشار سیاسی قرار داد و توازن قوای مناسب تری را برای ادامه این اعتراضات به رژیم تحمیل کرد. پا به میدان گذاشتن سازمان‌یافته و با برنامه مردم یک شهر و برپایی تظاهرات و اعتراضات ده‌ها هزار نفری نه تنها سرکوب این حرکات را برای نیروهای رژیم دشوار می‌سازد، بلکه نیروهای رژیم را دچار تزلزل می‌کند و انسجام آنها را بر هم می‌زند. تردیدی نیست زمانی که خشم توده‌های مردم به اوج خود می‌رسد و هر تک مبارزی قدرت و شجاعت همه مبارزین را در وجود خود می‌بیند و روزهای قیام توده‌ای نزدیک می‌شود، در دل این

مبارزات اوج یافته که خصلت‌نمای ذاتی هر انقلابی هستند، اقداماتی صورت می‌گیرد که خارج از کنترل می‌باشد. به مراکز نظامی دشمن حمله می‌شود، ممکن است ده‌ها مؤسسه دولتی بر سر مزدوران رژیم خراب شود، اما تمام بحث بر سر این است، روش‌ها و اقداماتی که در زمان اوج گیری مبارزات مردم صورت می‌گیرد نباید به شکل روتین اعتراضات و مبارزات روزمره مردم در مرحله کنونی تبدیل شود.

رژیم جمهوری اسلامی در این دوره با آگاهی به خودجوش بودن، پراکندگی و بی‌سازمانی اعتراضات، برای سرکوب آن به گردآوری نیرو پرداخت و یک مبارزه فرسایشی را به مردم تحمیل کرد. مبارزات مردم که هر روزه از شهری به شهری سرایت می‌کرد را وحشیانه مورد یورش قرار داد و به خون کشانید و صدها نفر را دستگیر و روانه بازداشتگاه‌ها کرد. ادامه این روند می‌توانست به شکست و سرخوردگی مردم در مبارزات‌شان بینجامد، پدیده‌ای که برای جنبش انقلاب مردمی کردستان زیانبار بود و می‌توانست برای یک دوره مبارزات مردم کردستان را با رکود روبرو سازد. این روند می‌بایست متوقف شود، ورق را می‌بایست برگرداند، نمی‌بایست گذاشت یاس و نومیدی بر فضای سیاسی کردستان سایه افکند.

مردم شهرهای کردستان بعد از سه هفته جانفشانی و مبارزه پرشور، احساس سرگردانی می‌کردند، به رهبری نیاز داشتند، در این شرایط تنها ابراز همدردی، تحلیل اوضاع، پند و اندرزهای رهبرمانانه کارساز نبود. در چنین شرایطی تنها یک رهبری که حساسیت اوضاع را به درستی دریابد و یک اقدام شجاعانه می‌توانست این روند را تغییر دهد.

## فراخوان به اعتصاب عمومی

رهبری کومه‌له که از همان ۱۸ تیر روند اوضاع در شهرهای کردستان را تعقیب می‌کرد، با شناختی که از حساسیت اوضاع داشت، تمام مشغله فکری‌اش این بود که با چه اقدامی و اتخاذ چه تاکتیکی جلو این روند که می‌توانست به یاس و سرخوردگی مردم منجر شود را بگیرد و کاری کند که مردم در پایان یک دوره از مبارزه و رودرویی با نیروهای دشمن نه تنها مایوس نشوند بلکه احساس غرور و پیروزی کنند.

رهبری کومه‌له تا زمانی که شهرسندج هنوز به اعتراضات این دوره نپیوسته بود، فراخوان به یک حرکت سراسری و عموم را زودرس می‌دانست. تنها زمانی که شهر سندج به این اعتراضات پیوست

و از پیوستن آن به حرکت سراسری در کردستان اطمینان حاصل شد، ایده فراخوان به یک اعتصاب عمومی و سراسری در کردستان در رهبری کومه‌له شکل گرفت. اما این تازه اول کار بود و هنوز به تردیدها پایان نداد، تردیدها بسیار واقعی بودند. کومه‌له با این ابزارهای تبلیغی ناکارا و ضعیف که در اختیار داشت چگونه می‌توانست ایده فراخوان به اعتصاب عمومی را به میان میلیون‌ها تن از مردم کردستان ببرد؟ رادیو ماهواره ای کومه‌له بر روی مجموعه هاتبرد بدلیل نیمه کاره ماندن تدارک فنی هنوز کار خود را آغاز نکرده بود، رادیوهای کومه‌له و صدای حزب کمونیست ایران که روی موج کوتاه برنامه پخش می‌کنند زیر فشار سنگین پارازیت دشمن کارائی لازم را نداشتند، و همه می‌دانیم که سایت‌های اینترنتی هنوز ابزارهای تبلیغی توده‌گیری نیستند، تردیدی هم نداشتیم که رادیوهای فارسی زبان بی.بی.سی و فرانسه و شبکه‌های تلویزیون کوردسات و کوردستان تی.وی که در ایران رادیوهای پرشنونده و کانال‌های پربیننده‌ای هستند، سیاست سکوت مطلق را در برخورد به فراخوانی کومه‌له به اعتصاب عمومی در پیش خواهند گرفت، این پیش‌بینی درست بود و فقط روز.تی.وی در یکی از برنامه‌های خبری خود اعلام کرد که سازمان کردستان حزب کمونیست ایران \_ کومه‌له برای روز شازدهم مرداد فراخوان اعتصاب داده است.

با این همه ساعت ۲ بامداد روز سه‌شنبه ۱۱ مرداد که تصمیم به اعلام فراخوان اعتصاب عمومی در روز ۱۶ مرداد گرفته شد، همه تردیدها جای خود را به عزم و اراده راسخ رهبری کومه‌له برای سازماندهی این حرکت تاریخی داد، بلافاصله متن فراخوان‌های کومه‌له تهیه شدند. بر سر مطالبات این اعتصاب هیچ مناقشه‌ای در نگرفت. رهبری کومه‌له اعتصاب عمومی را در شرایطی که شهرهای کردستان شدیداً میلیتاریزه بودند مناسب‌ترین شکل ابراز این اتحاد و همبستگی می‌دانست. در تعیین زمان اعتصاب عمومی دو فاکتور اساسی در نظر گرفته شد، یکی اینکه نمی‌بایست از وقایع شهرهای کردستان زیاد فاصله بگیریم، دوم اینکه فرصت کافی برای براه انداختن یک کمپین تبلیغی و سازماندهی این حرکت تاریخی را در اختیار داشته باشیم.

اعلام فراخوان عمومی به اعتصاب به سرعت در جامعه کردستان انعکاس پیدا کرد. در روزهای پنجشنبه، جمعه و شنبه ۳ روز قبل از اعتصاب عمومی ده‌ها و شاید صدها هزار نسخه از فراخوان‌های کومه‌له و اوراق تبلیغی مربوط به فراخوان اعتصاب عمومی در سطح شهرهای کردستان پخش شدند. توان سازماندهی و حجم تبلیغاتی که در این چند روزه انجام گرفت صرفاً با ظرفیت، وسعت و دامنه تشکیلات کومه‌له در داخل شهرها قابل توضیح نیست، واقعیت این بود کومه‌له در شرایطی به یک نیاز اجتماعی و به نیاز مبارزه توده‌های مردم کردستان پاسخ داده بود که احزاب

و نیروهای سیاسی دیگر حتی از درک آن نیز عاجز مانده بودند و همین واقعیت بود که نیروی توده‌های مردم کردستان را در ابعاد اجتماعی به حرکت در آورد.

در بسیاری از شهرها به ابتکار فعالین کومه‌له و با همکاری جوانان پرشور و مردم آزاده کمیته‌های تدارک ۱۶ مرداد تشکیل شدند و تدارک و سازماندهی این روز را در دستور کار خود قرار دادند. شهرهای کردستان یکی بعد از دیگری خود را برای اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد آماده می‌کردند. به ابتکار فعالین کومه‌له و بکار افتادن مکانیسم‌های ارتباطاتی و سازماندهی توده‌ای از دو روز قبل از اعتصاب عمومی هماهنگی وسیعی در بین شهرهای کردستان ایجاد شده بود. مردم شهرهای کردستان بدون اینکه خستگی یک ماه مبارزه فرسایشی و جنگ و گریز با نیروهای دشمن را به روی خود بیاورند به استقبال روزی می‌رفتند، که در آن عزم، اراده و اتحاد و همبستگی خود را در مبارزه علیه جمهوری اسلامی نشان دهند. روز ۱۵م مرداد همه نشانه‌ها و شواهد حاکی از آن بود، که مردم کردستان برای یک اعتصاب عمومی و هماهنگ خود را آماده کرده‌اند. فردا روز اعتصاب عمومی است، در همه کردستان، کومه‌له اعتصاب عمومی اعلام کرده است، این جملات کوتاه بر سر زبان‌ها روان بود و دهان به دهان می‌گشت.

اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد امری قطعی شده بود، اما شهرها هنوز از تب و تاب باز نایستاده بودند. در شهر سنندج آخرین تلاش‌ها برای به اعتصاب کشاندن شهر در جریان بود. در جریان پخش فراخوان‌ها و اوراق مربوط به این اعتصاب زانیار آشیانی جوان پرشور سنندجی مورد اصابت گلوله دژخیمان سرمایه قرار گرفت و جان باخت و نامش برای همیشه با ۱۶ مرداد و تاریخ مبارزه مردم ستمدیده عجین شد.

برای روز ۱۶ مرداد یک شبکه وسیع خبرنگاری توده‌ای سازمان یافته بود. بنا به تصمیم رهبری از آنجا که خطوط تلفنی در این روز تحت کنترل شدید اداره اطلاعات رژیم بودند، بمنظور حفظ امنیت رفقای حرفه‌ای و تشکیلاتی در داخل شهرها، جمعی از رفقای تشکیلات علنی بطور سازمان یافته و منظم با همه شهرهای کردستان در ارتباط بودند.

صبحگاه روز ۱۶ مرداد وقتی که شهرهای کردستان از خواب بیدار شدند همه در اعتصاب

فرو رفته بودند و از جنب و جوش روزهای عادی خبری نبود.

اولین تماس‌ها با شهر سقز برقرار شد جایی که انتظار می‌رفت اعتصاب عمومی هماهنگ‌تر از هرجای دیگری سازمانده شده باشد. شهر در اعتصاب کامل بود، دکان و مغازه‌ها بسته بودند، بازار بسته بود، همه کارگاه‌ها تعطیل بودند، محل‌هایی که کارگران فصلی و بیکار به قصد پیدا کردن کار

در آنجاها تجمع می کردند کاملا خلوت بودند، کارگران در همه جا با جیب خالی و با قلب آکنده از شور و شغف به فراخوان کومه له جواب مثبت دادند.

در خیابان های شهر غیر از نیروهای انتظامی و گاردهای ویژه رفت و آمد مردم عادی و اتومبیل ها به ندرت اتفاق می افتاد. در شهر بوکان نیز وضع از همین قرار بود. فقط تعدادی از نانوایی ها و قصاب ها برای جوابگویی به نیازهای ضروری مردم باز بودند، آنهم در کوچه و پس کوچه ها در نقاطی که به سیمای عمومی شهر فرو رفته در اعتصاب لطمه ای نزنند. شهرهای مهاباد، سردشت، بانه، اشنویه، پیرانشهر و مریوان در هماهنگی کامل با هم و با دیگر شهرها یکپارچه در اعتصاب بودند، همه جا در تعطیل کامل بسر می برد. در مهاباد به ابتکار سازماندهندگان اعتصاب، در طول این روز ۱۲ موتور سوار در سطح شهر در رفت و آمد بودند و مرتبا ضرورت و اهداف اعتصاب را به مردم یادآور می شدند. در سردشت و ربط کمیته تدارک ۱۶مرداد با موفقیت کار خود را به انجام رسانده بود. اشنویه و پیرانشهر در این روز سازمان یافته و هماهنگ عمل کردند و در این رابطه هیچ کم نیاوردند، خبرها از دیواندره و جوانرود هم خوشحال کننده بودند، این شهر ها هم به اعتصاب پیوسته بودند، بخشهای وسیعی از شهر نرده و ارومیه نیز در اعتصاب بسر می بردند. در سنندج مناطق و محله های فقیرنشین از همان ساعت های اول صبح به اعتصاب پیوسته بودند، اما در ساعت ۱۱ قبل ازظهر شهر هنوز حالت نیمه تعطیل داشت، قسمت های مرکزی شهر هنوز به اعتصاب نپیوسته بودند، پاساژها باز بودند. از ساعت ۱۱ به بعد نقاط مختلف شهر همزمان یا یکی بعد از دیگری به اعتصاب پیوستند، ساعت ۲ بعدازظهر همه شهر در اعتصاب فرو رفت. این وضعیت در شهر سنندج تا اندازه ای قابل پیش بینی بود. به اعتصاب کشاندن شهری بزرگ مانند سنندج با جمعیت بالغ بر ۷۰۰ هزار نفر آنهم با وسعتی که طبقه متوسط در این شهر دارد کار ساده ای نیست.

در تمام روز اعتصاب رژیم اسلامی حکومت نظامی اعلام نشده ای را در شهرهای کردستان به اجرا در آورد و مزدوران رژیم در برخی از محلات شهرها با یورش به خانه ها و ضرب و شتم مردم تلاش کردند تا اعتصاب عمومی مردم را بخون بکشند، اما هوشیاری مردم و بویژه جوانان مانع آن شد که مزدوران رژیم نقشه های خود را پیش ببرند. مردم کردستان فرهنگ مبارزات و سیاسی والایی از خود نشان دادند.

با این وصف اعتصاب شکوهمند مردم کردستان پیروز شد و ۱۶ مرداد به تاریخ جنبش انقلابی کردستان پیوست.

## دستاوردهای اعتصاب عمومی

بر مبنای همه شاخص های عینی اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد حرکتی پیروزمند بود. مردم کردستان بعد از یک ماه مبارزه بار دیگر با یک اقدام سراسری و هماهنگ، در زیر حاکمیت سرنیزه و علیرغم کارشکنی های دوستان دروغین مردم اتحاد و همبستگی خود را در مقابله با رژیم جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند و این دوره از مبارزه را با پیروزی بر دشمن به پایان رساندند و این یکی از مهمترین دستاوردهای اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد بود. مردم کردستان از سال ۵۸ تاکنون چنین فرصتی را نیافته بودند.

مردم کردستان با این اقدام شکوهمند خود روندی را که می توانست به شکست و سرخوردگی بینجامد تغییر دادند و با اعتماد به نفس تمام و با کسب برتری روحی بر دشمن یک پیروزی دیگر را بنام این مردم ستمدیده در تاریخ جنبش کردستان ثبت کردند. اگر رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف با اعزام هیئت های رسمی به شهرهای کردستان و با تائید جنایات نیروهایش در کردستان، می خواهد در مقابل خواست های این اعتصاب عمومی شانه بالا اندازد و شکست و رسوائی خود را در مقابل اراده متحدانه مردم کردستان لاپوشانی کند، اما نمی تواند اراده و نیروی متحد و یکپارچه مردم کردستان را وارد معادلات و محاسبات سیاسی خود نکند. جمهوری اسلامی مجبور است در مقابل خواست های مردم کردستان سر تسلیم فرود آورد.

مردم کردستان با این اعتصاب عمومی که نقطه اوج اتحاد و یکپارچگی آنها در مبارزه با رژیم بود نشان دادند که جمهوری اسلامی احمدی نژاد نمی تواند با میلیتاریزه کردن کردستان و ایجاد فضای رعب و وحشت آنها را از مبارزه برای تحقق خواسته هایشان به عقب براند.

مردم کردستان در این دوره از مبارزات خود نشان دادند که تحت تاثیر تبلیغات بی مایه و استراتژی جریانات ناسیونالیست که با وعده دخالت امپریالیست آمریکا می خواهند آنها را در انتظار نگاه دارند قرار نمی گیرند و افق رهایی خود را هر چه بیشتر به نیروی آگاهی، تجربه و مبارزه مستقیم خود متکی کرده اند.

پیام اعتصاب عمومی کردستان برای مردم مبارز در سراسر ایران و برای همه جنبش های آزادیخواهانه روشن و امیدبخش بود.

این اعتصاب در ابعاد میلیونی ضرورت و اهمیت سازمانیابی توده ای را به میان مردم برد و ظرفیت های واقع جنبش انقلابی کردستان را برای سازمانیابی صفوف خود بوضوح نشان داد. در

سال‌های اخیر جنبش کارگری کردستان در راه مبارزه برای احقاق مطالبات خود، جنبش زنان در مبارزه علیه موقعیت فرودست زن در جامعه، مبارزه جوانان علیه بی‌حقوقی‌های فردی و اجتماعی و مبارزه عمومی مردم کردستان علیه زور و فشار ناشی از حضور نیروهای رژیم در کردستان و برای رفع ستمگری ملی، رهبران و فعالینی را به جلو صحنه مبارزه سیاسی رانده است، که هماهنگی این چهره‌ها، می‌تواند پیشروی جنبش انقلابی کردستان را تضمین کند.

این فعالین و رهبران در سازماندهی اعتصاب اخیر نقش چشم‌گیری ایفا کردند. مردم کردستان می‌توانند برای سازماندهی و پیشبرد مبارزات خود روی کاردانی و تجارب و از خودگذشتگی این نسل از رهبران حساب کنند.

پیروزی این اعتصاب برای کومه‌له نیز دستاوردهای عظیمی در بر داشت. ۱۶ مرداد به اندازه چندین سال فعالیت آرامی و روتین تشکیلات مخفی شهرها کومه‌له را به میان توده‌های مردم برد و آشنایی نسل جوان را با کومه‌له عمیق‌تر کرد. اگر انشعابات در کومه‌له و حزب کمونیست ایران این تصور را حتی در میان دوستان بوجود آورده بود که موقعیت اجتماعی کومه‌له لطمه خورده است، پیروزی این اعتصاب بار دیگر موقعیت کومه‌له را بعنوان یک جریان اجتماعی و توده‌ای در کردستان تثبیت کرد. فراخوان کومه‌له به این اعتصاب و پیروزی آن بار دیگر این واقعیت را به اثبات رساند. که کومه‌له علیرغم گذشت و برش زمان قاطعیت، ظرفیت‌ها و سنت‌های رهبری و سازماندهی جنبش‌های توده‌ای و اجتماعی را حفظ کرده و ارتقا داده است.

بدنبال این پیروزی جمع‌ها و محافل وسیعی از نو با کومه‌له تماس گرفته و پیوندهایشان را با کومه‌له فعال کردند.

اما این پیروزی نباید کومه‌له را سرمست کند. بعد از ۱۶ مرداد انتظارات از کومه‌له بسرعت بالا رفته و وظایف ده‌چندان سنگین‌تری بردوش ما قرار گرفته است. باید به استقبال انجام این وظایف بشتابیم. شبکه ارتباطات سریع‌تری با داخل باید سازمان داده شود. ابزارهای کاراتر تبلیغی را باید بکار گرفت. کومه‌له باید مکانیسم‌های سازمانده توده‌ای در شرایطی کنونی را به دقت بشناسد و سیاست عمل خود را در قبال تشکل‌های موجود روشن کند.

در شرایطی که خفقان پلیسی به ما اجازه نمی‌دهد، که تغییر و تمرکز در سیاست سازماندهی تشکیلات شهرها در جهت پاسخگویی به نیازهای این دوره ایجاد کنیم، کومه‌له باید با کمک کردن به ایجاد تشکل‌ها و سازمان‌های توده‌ای و ایجاد رابطه معنوی با این تشکل‌ها حضور علنی خود را در شهرها تامین کند. با انجام این وظایف است که پیشروی جنبش انقلابی کردستان و حرکت



## ۱۶ مرداد و موضع گیری ها

فراخوان کمیته مرکزی کومه له به اعتصاب عمومی و پیروزی شکوهمند این اعتصاب حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان را کیش و مات کرد. حزب دمکرات ظاهرا سکوت مطلق در پیش گرفت. در تمام طول ۵ روزی که کومه له سرگرم پیشبرد کمپین تبلیغی و سازماندهی اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد بود، سایت رسمی حزب دمکرات عملا مهر و موم شده و رادیوی این حزب بدلیل اشکالات فنی از فعالیت باز ایستاده بود. البته بنا به گزارشات فعالین کومه له از شهرهای مهاباد و بوکان، هواداران پر و پا قرص این حزب از کارشکنی در پروسه سازماندهی اعتصاب کوتاه نکردند.

سازمان زحمتکشان از حزب دمکرات بسیار فراتر رفت، دبیرخانه این سازمان طی اطلاعیه ای رسمی (اطلاعیه شماره ۱۴ دبیرخانه این سازمان به تاریخ ۱۴ مرداد ۱۳۸۴) تلویحا از مردم خواست که در این اعتصاب شرکت نکنند و سپس عمر ایلخانی زاده یکی از رهبران این جریان در مصاحبه رادیویی بر همین موضع گیری تاکید کرد و بدینوسیله ضدیت خود را با فراخوان کومه له به اعتصاب رسما اعلام کردند و هواخواهانشان را در داخل حول همین سیاست و موضع گیری برای کارشکنی در پروسه سازماندهی اعتصاب بسیج کردند.

اما در ارزیابی از این سیاست و موضع گیری حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان اشتباه است اگر فکر کنیم که این دو جریان غافلگیر و یا دچار اشتباه تاکتیکی شده اند.

غافلگیری و بن بست سیاسی این دو جریان استراتژیک است. این دو جریان منزوی از جنبش های اجتماعی در جامعه و بی اتکا به جنبش توده ای در کردستان، مدتهاست در تلاشند تا برای رسیدن به اهدافشان سیاست ها و پروژه های خود را با استراتژی آمریکا در منطقه انطباق دهند. اینها در انتظار روزی لحظه شماری می کنند که آمریکا موضع فعال تری در قبال جمهوری اسلامی در پیش گیرد و یا پروژه ای مشابه پروژه کردستان عراق را در کردستان ایران برای آنها به اجرا در آورد. رهبران این دو جریان یکی با "دوراندیشی" در این توهم بسر می برد که در طرح امپریالیستی خاورمیانه بزرگ جایی هم برای مشارکت دادن آنان در قدرت سیاسی در نظر گرفته شده است، دیگری از آن خوشحال است که در آخرین دیدارهایش با کارکنان وزارت خارجه آمریکا موفق شده است، آنها را متقاعد کند که در ایران یک جنبش اصیل برای دمکراسی وجود دارد.

موضع گیری این دو جریان در قبال فراخوان کومه له به اعتصاب عمومی و سراسری در کردستان در انطباق با همین استراتژی انتظار بود. مردم کردستان با مبارزات خود در این دوره که اعتصاب عمومی نقطه اوج آن بود این استراتژی جریانات ناسیونالیسمی کرد را در ابعاد اجتماعی نقد کردند. این استراتژی هیچ ربطی به جنبش توده ای در کردستان ندارد و شکست آن محتوم است. سیاست عملی و موضع گیری این دو جریان برای رهبری کومه له کاملاً پیش بینی شده بود.

تقریباً همه سازمان ها و احزاب و جریانات چپ ایران از فراخوان کومه له به اعتصاب عمومی پشتیبانی کردند و بدون شک ابراز این همبستگی و انعکاس آن در ارگان های تبلیغی کومه له برای فعالین این تشکیلات و مردم کردستان بسیار دلگرم کننده بود. اما در فرهنگ سیاسی و چپ ایران در بسیاری مواقع میان موضع گیری سازمانی و اتخاذ تاکتیکی سیاسی فعال جابجایی صورت می گیرد. در این مقطع زمانی جنبش انقلابی کردستان، به عمل سیاسی و فعال چپ ایران برای جلب پشتیبانی مردم سایر نقاط ایران نیاز داشت.

در این میان حزب کمونیست کارگری \_ حکمتیست که از فراخوان کومه له به اعتصاب عمومی پشتیبانی کرد اما در خاتمه با متکی کردن تحلیل هایشان بر این کذب محض که گویا «کومه له در ابتدا برای سازماندهی این حرکت به احزاب ناسیونالیست کرد مراجعه کرده است» مایوسانه تلاش کردند از نقش کومه له و اهمیت این حرکت تاریخی بکاهند تا بلکه از این راه بتوانند رادیکالیسم شعار گونه خود را اندکی بیشتر "تعمیق" کنند.

مرداد ۱۳۸۴

برگرفته از جهان امروز ۱۵۶